

گسترش فرهنگ و تمدن ایران

بوسیله دولت‌های مستقل و نیمه مستقل اسلامی

در شرق جهان اسلام

• دکتر محمدرضا شهیدی پاک
دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

چکیده

توسعه‌ی فرهنگ ایرانی در شرق جهان اسلام از جمله هندوستان در راستای گسترش اسلام و تشیع صورت گرفت و در عصر صفوی به اوج شکوفایی خود رسید و شخصیت‌ها و آثار ماندگار در ادبیات هنر و معارف شیعی و ایرانی در حوزه قدرت این دولت‌ها که نشانه‌های ایرانی و شیعی شعایر رسمی دولتی آن‌ها بود، پدید آمد در نوشته‌ی حاضر، به‌عنوان یک نمونه از این آثار که نشانه‌ی ماندگار ایرانی و سند هزار سال حضور فرهنگ اسلامی ایرانی در شرق دور است، معرفی شده است.

کلید واژه‌ها: دکن ثلاثه، عادلشاهیان، قطب شاهیان، شیراز هند، گورکانیان، تاج محل، تاریخ الفی

ورود اسلام و تشیع و فرهنگ و تمدن ایرانی

اسلام دولتی به‌طور رسمی و با نیروی نظامی ابتدا در هند به سال ۹۲ هـ / ۷۱۱ م که محمد بن قاسم ثقفی فرمانده اموی ایالت سند را گشود وارد شد و سه قرن پایگاه اسلام در هند دره سند بود (باسورث، ص ۵۷۴) اما؛ ابتدای ورود مردمی اسلام به شبه قاره هند به شیعیان و ایرانیانی باز می‌گردد که از ترس و خشونت و سفاکی امویان و عباسیان به آسیای دور و جزایر اقیانوس هند و دریای چین و شبه قاره می‌گریختند، بازمی‌گردد، در این بین نقش اصلی با شیعیان است. زمینه این خط صدور ایرانی شیعی اسلامی به هند، چین و آسیای دور وجود خط سیر باستانی، راه دریایی ایرانی هندی چینی ابریشم در مسیر این مهاجران است که در عهد ساسانی به اوج فعالیت خود رسیده بود این راه مهاجرت‌های مذهبی دیگری نیز پیش از این بوده است و جزایر بسیاری در این مسیر مختص عناصر ایرانی و شیعی بوده است از جمله جزیره عاشوراء، که نام‌های خاص شیعی دارد این نقاط از نیمه قرن سوم مناطق نفوذ امپراطوری فاطمی بود. (shahidiipak, ۲۰۰۸).

آغاز واقعی ورود اسلام به هند، از راه تشیع و ایران است؛ ایرانیانی که از اولیاء، فقهاء، ادبا و سیاستمداران در ایالات مختلف هند، بوسیله زبان فارسی که زبان سیاست و ادب بود، پناه گرفتند و مراتب ترقی و گسترش و توسعه فرهنگ ایرانی و اسلامی را در سایه حمایت قدرت‌های هندی در شمال و جنوب هند فراهم ساختند. پیدایش دول اسلامی در خاک هندوستان بمنزله تحلیل عناصر نژادی ترک، هندی و مغول در فرهنگ و تمدن ایرانی است.

ابتدا غزنویان (۳۶۶ هـ - ۵۸۲ هـ / ۹۷۷ م - ۱۱۸۶ م) در شمال غربی هند، شکوه فرهنگ ایرانی را متجلی ساختند. غوریان (۴۰۱ هـ / ۶۱۲ هـ -) با برانداختن سلطه دنیوی غزنویان از شمال هند، سیاست آن‌ها در گسترش فرهنگ ایرانی را توسعه بخشیدند، در عهد غزنوی و غوری هم‌چنان فرهنگ هندی و ایرانی و اسلامی در کنار یکدیگر وجود دارد، روی سکه عزالدین محمد در هند (از سکه‌های غوری) اقرار به الله و روی دیگر آن الهه‌ی هندوست. وضعیت سکه‌ها در نقاط مختلف سرزمین‌های مفتوحه گویای فرهنگ و تمدن آن مناطق است از جمله در نمونه‌های نظیر آن در ایران و شامات که یک روی سکه‌ها اسلامی عربی و روی دیگر تمثال شاهان ایران و روم است؛ در هند وجه اهمیت غوریان در این است که در عصر غوریان اسلام در شمال هند تثبیت شد (با سورث، ۵۷۵) و بنیاد سلطنت‌های مختلف اسلامی گذاشته شد، مقتدرترین امیر غوری معروف به چهلگان مبانی فرهنگ ایرانی و اسلامی را با اقداماتی گسترش داد.

دکن و پیدایش نخستین دولت بزرگ اسلامی

در دکن شمالی سلاطین بهمنی (۷۴۸ هـ / ۹۳۲ هـ / ۱۳۴۷ م - ۱۵۲۸ م) با ناتوان شدن دهلی در کنترل دکن، به وسیله حسن کانگو در گلبرگه اعلام استقلال کردند (تتوی، ج ۸، ص ۵۶۱۱) در عهد حکامی که اسلام و فرهنگ ایرانی را گسترش دادند، سبک خاص معماری ایرانی - اسلامی در دکن پدید آمد و گروه انبوهی از نژاد عرب، ترک، ایرانی در دستگاه اداری سلسله بهمنیان دکن خدمت می کردند پس از سقوط بهمنیان؛ دکن بین پنج دولت که نقش بسیار زیادی در استمرار گسترش فرهنگ ایرانی و تشیع امامی تا چند دهه پس از بهمنیان داشتند، تقسیم شد (مصاحب، ۸۸۵). بریدشاهیان در دکن مرکزی در شهر بیدر به وسیله قاسم برید ترک تأسیس شد و در ۱۰۲۸ هـ / ۱۶۱۹ م حکومت عادلشاهیان جای آن‌ها را گرفت و در بیجاپور در مرز شمالی استان کارناتاگا، به وسیله یوسفخان عادلشاهی ایرانی تبار تأسیس شد. وجه اهمیت سلسله عادلشاهی ورود نخستین بارقه تشیع به وسیله آن‌ها به هندوستان است وجه و دیگر اهمیت آن‌ها تبار ایرانی عادلشاهیان است که به ناحیه مرکزی ایران، قم و ساوه می‌رسد. وابستگی مطلق آن‌ها به دولت صفوی از دیگر وجوه اهمیت آن‌ها است. باسورث نسبت آن‌ها با عثمانی‌ها و وابستگی آن‌ها به عثمانیان را تکذیب کرده است (باسورث، ۶۱۳) هالیستر بر پیوند آن‌ها با متصوفه بزرگ عصر صفوی و ارتباط با دربار صفوی برای انتشار فرهنگ ایرانی و تشیع تصریح نموده است (هالیستر، ص ۱۲۷، ۱۲۸) حکومت عادلشاهیان در ۱۰۹۷ هـ - ۱۶۸۶ م به امپراطوری اسلامی مغول در عهد اورنگ زیب پیوست، سلسله عادلشاهی نقش بسیاری در توسعه فرهنگ ایرانی داشت از جمله بنای آرامگاه مقبره ابراهیم دوم که گنبد آن با گنبد سن پیترو در رم قابل مقایسه است (هالیستر ۱۳۰).

نظام‌شاهیان احمدنگر از سلسله‌های وابسته جانشین بهمنیان دکن در شرق بمبئی بودند که خود را متعهد به ارتباط با دربار صفوی و رواج فرهنگ ایران و تشیع در دکن می‌دانستند و تشیع مذهب رسمی دولت آن‌ها بود و در ۱۰۴۴ هـ - ۱۶۳۳ م ضمیمه امپراطوری اسلامی مغول هند گورکانیان شدند. قطب شاهیان گلکنده از تبار ایرانی از دیگر سلسله‌های وابسته به بهمنیان دکن و جانشین آن‌ها پس از سقوط بودند که به وسیله سلطان قلی ترکمن از طایفه قراقوینلو که در اسدآباد همدان به دنیا آمد و به دکن مهاجرت کرد؛ در ۹۱۷ هـ - حیدرآباد تأسیس شد و مذهب شیعه امامی را مذهب رسمی دولت خود ساخت او خود را وابسته شاه عباس صفوی می‌دانست و به نام شاه ایران خطبه نماز جمعه می‌خواند، قطب‌شاهیان و عادلشاهیان با ثروت هنگفتی که داشتند بناهای بسیاری از جمله «عاشورا خانه» و باغ‌هایی به سبک معماری ایرانی ساختند و نقش اساسی در توسعه ادبیات فارسی و ایرانی سازی هند جنوبی ایفا

کردند. (با سورث، ۶۱۳) پایتخت قطب‌شاهیان قدرتمندترین مرکز توسعه ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی بود.

امپراطوری اسلامی تیموریان و اوج گسترش فرهنگ ایرانی در هند

دولت مغول هند (۹۳۲ هـ / ۱۲۷۴ هـ / ۱۵۲۵ م / ۱۸۵۱) (گورکانیان، تیموریان هند، بابرین) به وسیله همایون جانشین بابر بنیان‌گذار این سلسله، نزد شاه طهماسب متعهد به گسترش تشیع و فرهنگ ایرانی در هند شد. پسر او اکبر که از مادری ایران متولد شد، ایرانیان بیشماری را دربار خود جمع کرد، گورکانیان روابط بسیار دوستانه با صفویه داشتند در دربار آن‌ها عناصر ایرانی، ترک در کنار هم کار می‌کردند و حکمرانان شیعی دکن با آن‌ها همکاری می‌کردند، شاهان گورکانی خود به زبان فارسی سخن می‌گفتند، همایون با دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌سرود، از جمله رباعی نادعلی؛

ماییم ز جان بندهی اولاد علی
چون سر ولایت از علی ظاهر شد
هستیم شاد با یاد علی
کردیم همیشه ورد خود نادعلی

فارسی زبان رسمی دولت گورکانی بود و بزرگانی از علماء و شعراء شیعی ایرانی در دربار آن‌ها مسئولیت‌های مهم به عهده داشتند از جمله در عصر اکبرشاه که ملک الشعراء بهار دربار او را دربار ثانی بلکه دربار اصلی ایران دانسته است (تتوی، مقدمه، ص ۱) در عصر گورکانی آثار ماندگاری در ادب فارسی خلق شده، از جمله کتاب تاریخ الفی به دستور اکبرشاه به وسیله هفت تن از علمای ایرانی شیعه تدوین شد. در عصر شاه جهان اثر ایرانی تاج محل بنا شد.

آخرین دولت‌های اسلامی هند

پادشاهی شیعی آوده، در شمال هند در لکنهو تأسیس شد که خود را متعهد به رواج فرهنگ ایرانی می‌دانست. نشان رسمی این دولت شیعی نقش ماهی بود که خسرو پرویز شاه ساسانی در قرن ششم میلادی برگزیده بود (هالیستر، ۱۷۳) تأسیس دهها امامزاده از جمله امامزاده اصف الدوله در ۱۱۹۸ هـ / ۱۷۸۴ م از مشخصات فرهنگی این حکومت ایرانی شیعی است. در روی سکه‌های آن‌ها نقش ماهی حک شده بود (هالیستر، ۱۸۳) پس از سقوط گورکانیان دولت‌های کوچکی بر فراز میراث آن تأسیس شد که سنن و فرهنگ شیعی را در هند استمرار بخشیدند؛ از جمله این دولت‌ها: نواب وزیران بنگال (۱۱۱۶ هـ / ۱۷۷۸ هـ -) است. این حکومت شیعی از دل امپراطوری گورکانی هند برآمد (باسورث، ۶۲۹) و نواب وزیران. آوده (۱۱۳۴ هـ / ۱۷۲۲ هـ -) در ناحیه مرکزی استان اوتارپرادش که شهرهای اصلی آن لکنهو و کانپور است که به وسیله سعادت خان ایرانی از خراسان تأسیس شد؛ آوده و پایتخت دولت آوده، لکنهو محل شکوفایی

آغاز واقعی ورود اسلام به هند، از راه تشیع و ایران است؛ ایرانیانی که از اولیاء، فقهاء، ادبا و سیاستمداران در ایالات مختلف هند، به وسیله زبان فارسی که زبان سیاست و ادب بود، پناه گرفتند و مراتب ترقی و گسترش و توسعه فرهنگ ایرانی و اسلامی را در سایه حمایت قدرت‌های هندی در شمال و جنوب هند فراهم ساختند

تمدن ایرانی

این روح ملل است که سرنوشت آن‌ها را تعیین می‌کند و عناصر مدنیت آن‌ها را هم‌رنگ خود می‌نماید، سبب این‌که هندوستان سرمشق فنون خود را از ایران هخامنشی اتخاذ کرد و صنایع یونان نتوانست تأثیری در آن بنماید این است که فنون ایرانی به طرز فکر و روحیات آن‌ها نزدیک‌تر است

برای تزئین بناهای اسلامی به وجود آمد. این عالی‌ترین هنر اسلامی در خدمت معماری اسلامی در هند قرار گرفت و به صورت سنتی تکامل یافت و سه سبک خط خوشنویسی «بهاری» (سفادی، ص ۳۲)، «ثلث هندی»، و «نسخ تزئینی هندی» محصول تعالی هنر و معماری اسلامی در هند عهد گورکانی است که بزرگ‌ترین حامی هنر اسلامی به‌ویژه خوشنویسی بودند.

عمده‌ترین مرحله تکامل خوشنویسی ایلامی خود را در انبوه کتیبه‌های تزئینی قرآنی تاج محل متجلی گردید، حجم آیات قرآنی در کتیبه‌های تاج محل آن را در اوج کارکرد بناهای مذهبی ایران مانند حرم امام رضا (ع) و حرم حضرت معصومه (ع) قرار داده است. آیات قرآنی بیش از هر چیز توجه بینندگان محقق از جمله خاورشناسان را به خود جلب کرده است. آن‌ها تحقیقات مستقلی راجع به آیات قرآنی کتیبه‌های تاج محل که عمده‌ترین عنصر تزئینی تاج محل است عرضه نموده‌اند. یکی از خاورشناسان که تحقیقات مفصلی پیرامون تاج محل انجام داده است می‌نویسد: حجم خوشنویسی آیات قرآنی در کتیبه‌های تاج محل نسبت به سایر معابد و مساجد و مقابر عصر اسلامی هندوستان در عهد مغول چشمگیرتر است. آیاتی از پانزده سوره‌ی قرآن بیش از بیست و دو مفهوم اسلامی را بزرگ‌ترین شاهکار هنر معماری جهان در کتیبه‌های تزئینی خود منعکس ساخته است و تاج محل را به‌عنوان مناره بلند تبلیغ قرآن مطرح نموده است. و این جایگاهی بس عظیم و بی‌نظیر برای تاج محل در هنر اسلامی است. در حقیقت این سازه برین هنری به بهترین شکلی بیان هنری تصویر قرآن از بهشت موعود و معاد و بسیاری از مفاهیم اسلامی است، در کتیبه در واژه ورودی تاج محل که معرف این بنای با شکوه تاریخی است، آمده است:

Thus the four canals after which the chahar bagh is named clearly symbolize the four rivers of paradise mentioned in the Quran. Perhaps, like some writers, one should see in the raised ornamental pool at the intersection of the canals the image of the celestial reservoir of abundance (al-kawthar) from which flow, and toward which converge, the four celestial rivers seen by the prophet Muhammad during his miraculous ascent to Paradise (al-mi'raj). In point of fact, the symbolic and allegorical nature of Taj Mahal garden is not surprising, if one remembers the funereal nature of the monument it enshrines. The passage from the Qu'an inscribed in black marble letters on the southern façade of the Main Gate gives unequivocal credence to the comparison with the Garden of Paradise,

فرهنگ و زبان و ادبیات فارسی و مذهب شیعه و معماری هند و اسلامی بود و شهر لکهنو این موقعیت را همچنان حفظ کرد و مهم‌ترین مرکز شیعه هند شد. (باسورث، ۶۳۲)، دیگر حکومت وابسته گورکانیان که پس از سقوط گورکانیان در حیدرآباد استقلال یافت، دولت نظام‌های حیدرآباد ۱۱۳۷ هـ - ۱۳۶۷ هـ است. بزرگ‌ترین حاکم و مؤسس این دولت چین قلیچ‌خان در ۱۱۳۳ هـ - ، حکمران دکن شد و از امپراطوری اسلامی گورکانی هند لقب آصف‌جاه گرفت. بدین‌سان هزار سال حضور اسلام و تشیع که حاکی از ریشه‌های باستانی پیوند ایرانی-هندی است در دوره اسلامی در قالب دولت‌های ایرانی شیعی وجود خود را نشان داد و در عصر صفوی سراسر هندوستان زیر نفوذ این امپراطوری بزرگ ایرانی قرار گرفت که یادآور روابط ایران و هند در عصر امپراطوری‌های ایرانی هخامنشی، اشکانی و ساسانی است، تتوی مورخ معاصر صفوی به این حقیقت اشاره کرده است: «هم‌چنین تمام سواد اعظم هندوستان را از ابتدای آفرینش تا امروز کسی در ضبط در نیاورده بود و جمیع زمین‌داران هندوستان که به واسطه اعتماد کوه و جنگل اطاعت هیچ یک از سلاطین هندوستان نکرده بود به طوع و رغبت در سلک دولت‌خواهان درآمده... و جمیع ممالک هند...» (تتوی، ۵۹۰۵).

مکتب هنری ایرانی، هندی-اسلامی در نمونه ماندگار تاج محل

هنر اسلامی شگفت‌انگیزترین پدیده بین‌المللی قرون وسطی است که مظاهر دین اسلام را به بهترین شکل در سراسر جهان ماندگار ساخت. هنر اسلامی حاصل (همجوشی فرهنگی) بین ملل مختلف است سهم مکتب هنری هند -اسلام که در هندوستان به ویژه در عهد بهمنیان دکن و دول شیعی ایرانی جانشین آن‌ها به‌ویژه در دکن ثلاثه عادلشاهیان، قطب شاهیان، نظام شاهیان و سپس امپراطوری گورکانیان هند شکل گرفت در پهنه وسیع هنری اسلامی چه مقدار است؟ هنر اسلامی هنری خالص نیست بلکه بر فراز دستاوردهای هنرهای بومی هندوستان، ایران، بیزانس، مصر، مغرب و اندلس و سپس بنا شده است. به‌طور نمونه در عرصه هنرهای معماری اسلامی، ملل گوناگون، آینه تبلیغ اسلام بوده‌اند، مناره‌های مکعبی سبک مغربی، مناره‌های استوانه‌ای سبک ایرانی و هندی به یک اندازه وظایف خود را در اسلامی ساختن فضای شهرها ایفا کرده‌اند. خدمات هنرهای بومی ملل به شعائر اسلامی بیش از هر نقطه در امپراتوری اسلامی در ایران و هندوستان محقق گردیده است. به‌طور نمونه این امر در طرد تندیس‌نگاری در بسیاری از معابد و مقابر اسلامی از جمله در تاج محل خود را نشان داده است.

در تزئینات اسلامی خوشنویسی نماد اصیل و خالص هنر اسلامی است. این تزئینات به وسیله خوشنویسان ایرانی به اوج تکامل خود رسید. از جمله خط ثلث

و دو مناره بسیار کوچک لاغر صورت گرفته است و این مرحله‌ای از تحول در به کارگیری مناره‌ها در بناهای اسلامی است، که تغییر نهایی ماهیت مناره اسلامی و کارایی آن در مزارهای هندی عهد گورکانی صورت گرفت.

ریشه‌های ایرانی تاج محل و توسعه معماری صفوی در هند

در نوشته‌های محققان معاصر هنوز جای بسیاری برای نزاع در خصوص میزان تأثیر سازه تاج محل از غرب مسیحی و ایران اسلامی وجود دارد. براند کوشیده است که سازه تاج محل را تقلیدی از معابد مسیحی قرون وسطی به نام «مارتیریم» معرفی کند. او می‌نویسد: «در شرق دور در حوزه‌ی نفوذ مغولان هند شمالی نوعی بنا بر تارک تاج محل قرار دارد که کارفرمایان را به عنوان کوشک تفریحی در زمان حیاتشان و به‌عنوان قبری پس از مرگشان به کار می‌آمد. این بیان اخیر درباره موازنه بین خانه و قبر انتخاب «مارتیریم» را به‌وسیله مسلمانان روشن می‌سازد (براند، ص ۲۶۷). میلیویچ، کخ و دیگران نیز مطالبی در خصوص نفوذ معماری ایتالیایی و فرانسوی در تاج محل گفته‌اند، اما ریشه‌های ایرانی در محیط پیدایش تاج محل در هنگام پیدایش یعنی معاصر روح تکامل هنر معماری اسلامی عهد صفوی، به حدی است که از تاج محل فقط می‌توان به عنوان اثری ایرانی نام برد. از حیث ریشه‌ها به گسترش معماری عصر هخامنشی در هند و تداوم آن در عصر پارتی و ساسانی باید اشاره کرد که مورد توجه بسیاری از محققان از جمله خاورشناسان بزرگ متخصص در تاریخ معماری ایران پرفسور پوپ را به خود جلب کرده است. او در مورد تداوم هنر معماری هخامنشی می‌نویسد: «در معماری هخامنشی موفقیت‌های اساسی معماری سومر، بابل، آشور به کار گرفته شد ولی نقشه و اجرا اساساً ایرانی است. با فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی بر اثر حمله اسکندر معماری هخامنشی که از هدف رهبری و پشتیبانی سخاوتمندانه محروم مانده بود به نظر می‌رسید که باید به صورت امری کهنه درآید و با ورود سبک‌های هلنیستی و شیوه‌های ناآشنا با سنت‌های ساختمان ایرانی ناتوان شد و نهادهای جمعی برای ساختن بناهای بزرگ متروک ماند ولی باین که برای مدت کوتاهی ایران به صورت کشوری مستقل نتوانست باقی بماند اگر حیات سیاسی آن مضمحل شد نیروی زندگی، مفاهیم و فنون والای آن از میان نرفت. هند که از هزاره سوم از رشد شهرنشینی چشمگیر برخوردار شده بود تحریکات خلاق و مهارت‌هایی را که از فلات ایران می‌آمد مشتاقانه پذیرا شد (پوپ ۴۳). نخستین محصول ایرانی نزدیک سقوط تخت جمشید، بنای شهر هندی «پاتالی پوترا» که بر اساس کاخ آپادانا ساخته شد، بناها در باغ بزرگ با درختان و چشمه‌ها قرار داشت که یادآور پردیس‌های ایرانی بود، به‌ویژه این امر در خور توجه است که ستون این بناهای هندی همه گرایش ایرانی را نشان می‌دهند.

نشانه‌های سبک‌های ایرانی در هند در دوران پادشاهی آشوکا (۲۷۷-۲۶۴ ق م) متنوع‌تر و فراوان‌تر است، معماری این دوره الهام گرفته از هخامنشیان تا حدی با سلیقه‌ها و عادات صنعت‌گران بومی تعدیل شد (پوپ، ص ۴۳ و ۴۵). در طی چند قرن در سبک‌های هندی مستحیل گردید در جریان هند به صورتی جدی غنی شده است و سنت بزرگ هخامنشی به ریشه‌های جدید پیوند خورد به دنبال این وحدت ایرانی - هندی دوره‌ی هخامنشی، سنت‌های بومی هند، هیچ‌گاه سنن یونانی و سایر سنن معماری ملل دیگر را نپذیرفت. (شپیمان، ص ۱۲۵) و تنها با مفاهیم هنر معماری ایرانی به پیشرفت خود ادامه داد، پدیده تحول و تکامل هنر ایرانی در آثار هندی در عصر اشکانی به‌وسیله‌ی تحول هنر پارتی در هند استمرار یافت.

where the appeased souls of the dead find their ultimate refuge:
But O thou soul at peace,
Return thou unto thy Lord, well-pleased, and well-pleasing
unto him.

Enter thou among my servants,

And enter thou My Paradise.

The Qu'ran, Surah ۸۹

کاربرد آیات سوره ۶۷ سوره ملک در کتیبه‌های تاج محل مورد توجه بسیاری از شرق شناسان در قضاوت راجع به سازه اسلامی تاج محل قرار گرفته است، در نخستین نگاه نزدیک از روبرو به تاج محل، کتیبه‌هایی که پیام‌های آسمانی وحی قرآن را به همراه دارند به چشم می‌خورد. این واقعیت خارجی تاج محل حاکی از حقیقت وجودی مروارید هندوستان در ارائه وحی قرآنی در زیباترین سازه هنر ایرانی - هندی است و گویا کتیبه‌های قرآنی آن برگ‌هایی از نسخه خطی قرآنی است که در کنار رود جمنا به بهترین شکل تجلی پیدا کرده است.

قوس شکسته ایرانی و تحول در ترکیب و ماهیت مناره‌های اسلامی در تاج محل

عنصر قوس از عناصر کالبدی معماری اسلامی است که در هنر بومی ملل مختلف مسلمان اشکال مختلفی از آن به کار گرفته شده است. اما این عنصر در عین تنوع گسترده و حفظ اصالت‌های بومی، همواره به عنوان عنصری از هنرهای اسلامی معرفی شده است و به‌عنوان شیوه‌ای خاص از تولید و آفرینش آثار مستقل هنر اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. هنر اسلامی به طور یکسان از قوس‌های کولی‌دار مغربی - اندلسی، قوس‌های «باتو دور تمام نعل اسبی»، در مصر و قوس‌های ایرانی شکسته در آثار اسلامی ایران و هندوستان، به ویژه در تاج محل استفاده کرده است، از ویژگی‌های بارز معماری مکتب هند - اسلام به کارگیری گسترده قوس‌های شکسته ایرانی است.

مناره که از عناصر کالبدی معماری اسلامی است دوره‌ای از تکامل خود را در مکتب هند اسلامی طی کرد. مناره‌های اطراف مقابر تدفینی در هندوستان در ادامه سبک مناره‌های ایرانی رایج در ماوراءالنهر مانند مقبره امیر اسماعیل سامانی (د ۲۹۴ ه) و مقبره‌ی تیمور در سمرقند و مناره‌های سر در ورودی مدرسه «خلیف نیازکول» در بخارا و مدارس و مقابر «خیوه» از جمله مناره کلان در «خیوه» است (مانزو، ص ۴۰).

مناره‌های استوانه‌ای ایرانی تحولات خود را در طول تاریخ در شهرهای ایران مرکزی و در ماوراءالنهر تا هندوستان پشت سر گذاشته است و سرانجام انواع بدیع و بی‌نظیر از مناره‌ها از حیث فرم و ترکیب مناره در عهد گورکانی و به‌ویژه در تاج محل به وجود آمد، به طوری که وجود چهار مناره در چهار گوشه صفا عمارت از خصوصیات مکتب هند - اسلامی در عهد گورکانی است و تأثیرات روانی شگفتی برای فضای عمارت مزار ایجاد می‌کند. به پیروی از سبکی صفوی، در تاج محل مناره‌های اصلی محدوده مجموعه تدفینی را تعریف می‌کنند با ردیف‌هایی از مناره‌های بسیار لاغر که در نمای مقبره ترکیب شده‌اند و خط بام را به زحمت می‌شکنند تکمیل شده‌اند (براند به کارگیری مناره‌های لاغر در مزارهای هند را به تزئین کیک با شمع تشبیه کرده است. ر ه ک: براند، ص ۱۶۳). ترکیب مناره‌های لاغر در مناره‌های اصلی مزار نیز در حرم حضرت معصومه (س) در قم که قدیمی‌ترین باغ - مزار ایرانی است با به کارگیری بیست

استمرار ویژگی‌های هنر باستانی ایران در تاج محل

مهم‌ترین ویژگی هنر پارتی روبه‌رونگری (مقابل‌نگری)، نازک‌کاری‌ها و تزئین دیوارها با روح مذهبی و مقید بودن به خطوط مستقیم و مورب در معابدی است که در کنار رودها بنا شده‌اند. (رجبی، ج ۴، ص ۲۵۱). این ویژگی‌ها به‌ویژه روبه‌رونگری بیش از هر اثر اسلامی در سازه اسلامی تاج محل هند هویدا شده است، هنر ساسانی که بسیاری از ویژگی‌های آن در عصر اسلامی امتداد پیدا کرد مانند هنر پارتی از اصل مقابل‌نگری جبهه‌نمایی تبعیت می‌کند. (تاریخ ایران، کمبریج، ج ۳، ص ۳۵ و ۳۹) این که چرا ریشه‌های هنر هند به تداوم هنر ایران باستان در هندوستان باز می‌گردد، مورد توجه برخی محققان از جمله گوستاو لوبن فرانسوی قرار گرفته است. او در طرح مسأله‌ای استدلال می‌کند چرا هنر اسلامی در هندوستان تنها از هنر ایرانی متأثر شده است و تأثیرات یونان، بیزانس و سایر ملل را نپذیرفته است و تداوم پیدا نکرده است؛ و تنها تأثیر ایرانی باقی مانده است. در پاسخ می‌نویسد: زیرا روحیات ملت ایران و هند به هم نزدیک‌تر و پیشینه عمارات هند مانند تمام ابنیه شرق قبر از هر چیز دینی است. (گوستاو لوبن، ص ۱۲۳) و این روح ملل است که سرنوشت آن‌ها را تعیین می‌کند و عناصر مدنیت آن‌ها را هم‌رنگ خود می‌نماید، سبب این که هندوستان سرمشق فنون خود را به سهولت از ایران هخامنشی اتخاذ کرد و صنایع یونان نتوانست تأثیری در آن بنماید این است که فنون ایرانی به طرز فکر و روحیات آن‌ها نزدیک‌تر است، بارها سلاطین هند سعی کردند صنایع و هنر یونان را به هند بیاورند ولی نتوانستند و با رفتن اشخاص از بین رفت زیرا تباین و تغایر شدیدی میان صنایع و هنر مزبور و ساختمان فکری ملت هند موجود بود. حتی در دوره اسلامی نیز ابتدا ایران از فنون اسلامی متأثر شد و بعد از این که دارای یک فن ممزوج از سلیقه‌ی عرب و ایران پدید آمد آن را به هندوستان انتقال داد و فنون ایران مسلمان سرمشق صنایع هندوستان واقع شد، هندی‌ها در ذوق و سلیقه در قدیم از فن یونانی و در عصر حاضر از فنون اروپایی اجتناب دارند. براند، نیز تا حدی متعرض این مطلب شده است که منشاء مقابر اسلامی و نهادهای تدفینی اسلامی متأثر از مقابر پیش از تاریخ «تپه‌ها یا پشته‌های اروپایی» و یا «استوای هندوان» و یا «هرام مصر» یا «کاتاکوم یهودی» یا «زیرزمین اتروریایی» نیست! (براند، ۲۶۷) او ریشه این مقابر اسلامی را به نوعی آرامگاه در شرق اسلامی به‌ویژه در آناتولی و ماوراءالنهر و شمال ایران بازگردانده است که برج آرامگاهی نام داشت و با دقت در جزئیات، نسخه‌ای از یک چادر یادبود ترکمان شرق دور بود که در سیر تکاملی و دگرگونی به عناصر ذاتی خود در معماری به شکل آرامگاه‌های ایرانی، برج آرامگاهی، و چهارگوش گنبدپوش رسیده است. این آرامگاه‌ها سرانجام در عصر صفوی که مقابر و نهادهای تدفینی جای خود را به مقابر اولیاء و مقدسین دادند الگوی نهایی خود را پیدا کرد. عرصه این گونه مقابر معمولاً خیلی بزرگ و مشتمل بر بناهای فرعی، حیاط‌های مجاور یکدیگر و باغ‌های گسترده بود نظیر آن‌ها در «چاربکر» در بخارا یا مزار اردبیل است. (براند، ۲۹۴) علاقمندی مکتب هند و مسلمان به استمرار هنر ایرانی در تقلید کامل تاج محل از شاهکارهای عصر صفوی به‌ویژه عصر شاه عباس اول که شهر اصفهان را با محوریت بنای چهار باغ به‌عنوان پایتخت برگزید، مشاهده می‌شود. شاهکارهای عصر صفوی حاصل قرن‌ها تجربه هنر معماری ایرانی را یکجا در خود جمع نموده است، این سازه‌های ایرانی عصر صفوی از سوی حکمرانان مسلمان هند که از سده سیزده میلادی رو به مقبره سازی آوردند، مورد تقلید کامل قرار گرفت. (علام، ص ۲۷۲) و باغ - مزارهای بزرگی

از جمله تاج محل که انحراف از هنر ارتدکس صفوی در آن بسیار اندک است. (بورکهارت، ۱۸۴، ۱۰۰) اصل سلسله مراتب، اصل تقارن و تناسب که ویژگی و ابتکار خاص هنر ایرانی است، این اصول که ارکان اصلی خلق هر اثر برین هنری است، (هوار، ص ۱۰۱) همواره حضور مستمری در معماری ایرانی داشته است از باغ‌های هخامنشی که دارای طرح‌های مستطیل شکلی بود (پوپ، ص ۲۴۶) با خیابان‌های درختکاری متقارن مانند نمونه قبر کوروش و «مقابر زنان» در نزدیکی آن در دشت مرغاب (معروف به مقبره مادر سلیمان) تا شاهکارهای معماری عصر صفوی، تناسب، استحکام، شوق و خلاقیت و لذت و قدرت میراث معماری ایرانی بود که همه عناصر تکاملی خود در طول تاریخ را در تاج محل به عنوان یک حقیقت جامع معنوی به نمایش گذاشت. و تاج محل درخشش وجود مطلق از میان پوشش جهان، حسی بود که تناسب مستقیمی با زیبایی پیدا کرد و سمبلی ماندگار از هنر اشرافی - ایرانی به جا گذاشت که وظیفه آن القای وحدت وجود از طریق کاربرد هنری اصول تناسب، تقارن و تعادل بود.

منابع

۱. باسورث، کلیفورد ادموند، سلسله‌های اسلامی جدید (راهنمای گاهشماری و تبارشناسی)؛ انتشارات باز. تهران ۱۳۸۱
۲. براند، روبرت، معماری اسلامی، ترجمه شیرازی، تهران، نشر روزنه، ۱۳۸۰
۳. بلر، شیلا، هنر و معماری اسلامی، ترجمه آژند، تهران، ۱۳۸۱، نشر سمت
۴. بورکهارت، معماری اسلامی، ترجمه رجب نیا، تهران، ۱۳۶۵
۵. پوپ، معماری ایران، ترجمه صدیقی، نشر فرهنگان، ۱۳۷۳، تهران
۶. تاریخ ایران کمبریج، ج ۳، تهران، ۱۳۷۳، نشر امیرکبیر، مترجم انوشه
۷. تتوی، احمد، تاریخ الفی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳
۸. رجبی، پرویز، هزاره‌های گمشده، ج ۴، نشر توس، ۱۳۸۱
۹. سفادی، یاسین حمید، خوشنویسی اسلامی، ترجمه شایسته‌فر، نشر مطالعات اسلامی، ۱۳۸۱
۱۰. علام، نعمت اسماعیل، هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی، ترجمه تفضیلی، نشر آستان قدس، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. فرشته، محمداقاسم هندوشاه، تاریخ فرشته، چاپ سنگی.
۱۲. کالج مالکوم، اشکانیان، ترجمه رجب نیا، تهران، نشر دنیا، ۱۳۸۰ ش
۱۳. کنج، ابا، معماری هند دوره گورکانیان، ترجمه سلطان زاده، تهران، ۱۳۷۳
۱۴. گوستاو لوبن، تطور ملل، ترجمه علی دشتی، نشر اساطیر، تهران، ۱۳۷۷.
۱۵. مانزو ژال پال، ترجمه گلپایگانی، هنر در آسیای مرکزی، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰
۱۶. مصاحب، غلامحسین، دایره المعارف فارسی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۱
۱۷. هالیستر، جان نورمن، تشییع در هند، ترجمه فریدنی، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۳
۱۸. هوار، کلمان، ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۴
۱۹. هوگ، سبک شناسی معماری اسلامی، ترجمه وراوند نشر انقلاب اسلامی تهران ۱۳۷۵
- 20 - Shahidipak, Maritime communication & Islamic committee, Causes of cultural - civilizational inter racation among China, Persian, Arab, and Greek, along Maritime silk rute in the Middlele age, China, Quanzhou, Fujaijan province, 2008.
- 21- EI
- ۲۲- ابن بطوطه، رحله، دار الکتب العلمیه بیروت ۲۰۰۲.